

نظریه رد مازاد فرض به زوجه در فقه امامیه^۱

دکتر سید ابوالقاسم نقیبی^۲

استادیار مدرسه عالی شهید مطهری

چکیده

فقهای امامیه درباره میراث زوجه از زوج معتقدند که زوجه اگر فرزند داشته باشد، یک هشتم و چنانچه فرزند نداشته باشد، یک چهارم را به فرض ارث می‌برد؛ اما در صورتی که زوج وارثی غیر از زوجه نداشته باشد، اختلاف نظر دارند؛ برخی بر این باورند که مازاد فرض زوجه از آن امام معصوم است و بعضی معتقدند به فقرای محل زندگی زوج متوفی داده می‌شود. برخی آن را در عصر حضور از آن امام معصوم و در عصر غیبت از آن زوجه می‌دانند.

فقهای امامیه برای نظریات خویش به روایات استناد نموده‌اند؛ بنابراین مهم‌ترین مستند آرای مذکور روایات می‌باشد. در این نوشتار، نظریه تفصیل (رد مازاد فرض به امام در عصر حضور و رد آن به زوجه در عصر غیبت) محصول جمع مقبول بین روایات به شمار آمده است.

پذیرش این نظریه به توسعه حقوق مالی زوجه در فرض فوت زوج می‌انجامد و به عنوان سیاست حمایتی اسلام در نظام حقوق زن و خانواده قابل شناسایی است.

واژگان کلیدی

میراث، زوج، زوجه، فرض، رد، ربع، ثمن، ماترک

۱- پذیرش مقاله: ۸۴/۹/۱۰؛ ارزیابی: ۸۴/۹/۳۰

۲- معاون پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری

یکی از مباحث در زمینه ارث زوجه از زوج، صورتی است که زوجه تنها وارث زوج باشد. بسیاری از فقها بر این باورند که ربع ماترک زوج به عنوان فرض به زوجه داده می‌شود و بقیه به استناد روایات متضمن قاعده کلی «*الامام وارث من لا وارث له*» از آن امام می‌باشد. بدین جهت قانون مدنی در ماده ۹۴۹ مقرر نموده است «در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفات خود را می‌برد و لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلاوارث تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود» یعنی «در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است». در مقابل این نظریه، عده دیگری از فقیهان امامیه معتقدند که باید مازاد بر فرض را بین فقرای محل زندگی زوج تقسیم نمود، برخی بر این باورند که باید آن را به بیت‌المال سپرد و بعضی نیز معتقدند در عصر حضور مازاد از فرض از آن امام است ولی در عصر غیبت تمامی ترکه به زوجه داده می‌شود. هر یک از نظریات یاد شده بر استدلال‌هایی مبتنی است که بررسی اجمالی آنها در این نوشتار مورد نظر است. لذا مبانی فقهی هر یک از نظریات مذکور ارائه شده، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد:

۱- نظریه رد مازاد فرض به امام

نظریه رد مازاد فرض به امام از نظریات مهم در زمینه بحث میراث زوجه است که در فقه امامیه طرفداران فراوانی دارد. مهم‌ترین استدلال این نظریه، روایاتی هستند که از معصوم علیه السلام صادر شده‌اند. آن روایات عبارتند از:

الف - محمد بن نعیم صحاف می‌گوید: محمد بن ابی عمیر بیاع سابری فوت شد و مرا وصی خویش قرار داد و وارثی غیر از یک زن به جای نگذاشت. به امام کاظم علیه السلام نامه نوشتم؛ آن حضرت در جواب نوشت به زن از ماترک سهم او را بده و بقیه آن را به سوی من بفرست (*الحر العاملی*، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۷، ص ۵۱۵، ح ۲).

ب - ابوبصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در زمینه احکام فرایض، بر من قرائت فرمود که اگر زنی فوت شود و زوج او تنها وارث وی باشد، تمام ترکه برای زوج اوست و چنان که مردی فوت شود و زنی به جای گذارد، رُبَع ماترک برای زن بوده، بقیه از آن امام می‌باشد (*الحر العاملی*، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۵۱۵، ح ۳).^۱

ج - ابو بصیر می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد زنی سؤال کردم که فوت شد و وارثی غیر از همسرش نداشت؛ امام فرمود اگر کس غیر از او نباشد، همه برای شوهر است و اگر شوهر فوت شود ربع ماترک برای زوجه بوده، بقیه از برای امام خواهد بود. مرحوم صدوق این روایت را در کتاب «*من لا یحضره الفقیه*» نقل نموده و آن را مختص عصر حضور معصوم دانسته است (همو، ح ۸).

روایات مذکور از نظر سند معتبر می‌باشند و مدلول تمامی آنها به صراحت و روشنی رد مازاد فرض بر امام است. بنابراین تردیدی در رد مازاد فرض بر امام وجود ندارد، ولی در این که قلمرو زمانی آن مربوط به حضور معصوم است یا در عصر غیبت نیز می‌توان آن را از آن امام به شمار آورد، سؤالی مطرح است که با جمع روایات، باید بدان پاسخ گفت. به هر حال مهم‌ترین مبنای فقهی ماده ۹۴۹ قانون مدنی همین روایات هستند که مازاد فرض را از آن امام می‌دانند. علاوه بر روایات، چه بسا به اجماع فقیهان نیز استناد شود که با وجود روایات مذکور، اجماع مدرکی بوده، از اعتبار مستقل برخوردار نمی‌باشد. از نظر صغروی نیز با وجود نظریات دیگر در فقه امامیه می‌توان در تحقق اجماع مناقشه نمود. تعداد زیادی از فقهای امامیه مازاد بر فرض را از آن امام دانسته‌اند. این نظریه در میان متقدمان و نیز متأخران طرفداران زیادی دارد.^۲

۱- همین روایت را ابوبصیر، محمد بن مسلم و محمد بن مروان هم از امام باقر (ص) نقل کرده‌اند. بنگرید به: *الحر العاملی*، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۷، ص ۵۱۴، ح ۴ و ۷۵.

۲- مؤلف *مفتاح الکرامه* در تبیین نظریه عدم رد مازاد فرض به زوجه می‌نویسد: «این نظریه مذهب مفید در کتاب *الاعلام*، شیخ *در ایجاز*، علی بن الحسین در رساله‌ای که برای فرزندش نوشته، محمد بن علی در *المقنع*، قاضی و تقی و کیدری بنابر نقلی که از آنها شده است، سید و شیخ *در الانتصار*، *المبسوط* و *النهایه* و ابن حمزه، ابن زهره، ابن ادریس، محقق و شاگردانش در *کشف رموز*، علامه در *المختلف* و فرزندش *فخر*

از لوازم نظریه‌ای که مازاد فرض را از آن امام معصوم می‌داند، این است که امام می‌تواند آن را به فقرای محل زندگی زوج متوفی یا حتی زوجه اعطا نماید یا در بیت‌المال برای مصارف مربوط اختصاص دهد.

۲- نظریه رد مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج

برخی از فقهای امامیه رد مازاد فرض به فقرا را نخست به عنوان یک فرضیه مطرح نموده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱۱، ص ۴۳۳)؛ ولی با عنایت به روایات موجود می‌توان آن را به صورت یک نظریه طرح نموده، مورد نقد و بررسی قرار داد. روایات ناظر به اثبات رد مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج به شرح ذیل می‌باشد:

الف - محمدبن حمزه علوی به ابو جعفر ثانی امام جواد علیه السلام نامه‌ای نوشت که فردی از موالی شما مقدار یکصد درهم مالی به من وصیت نمود و من از او شنیدم که می‌گفت هر مالی که از آن ماست، از آن مولای ماست. او فوت نموده و صد درهم بر جای نهاده است و درباره چگونگی توزیع این ماترک چیزی نگفته است. او دو زن دارد که یکی از آنها در بغداد است و من مکان زندگی او را نمی‌دانم، و زن دیگر در قم می‌باشد؛ درباره این صد درهم چه دستوری می‌فرمایید؟ امام نوشتند به دو زن آن مرد، حقشان را که اگر فرزند داشته باشند یک هشتم و اگر نداشته باشند یک چهارم است، پرداخت کن و بقیه ماترک را به نیازمندان عطا کن (الحر العاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۷، ص ۵۱۴، ح ۱).

ب - محمد بن حسن طوسی در *النهاییه* نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام میراث کسی را که وارث نداشت، به فقرا و ضعیفای اهل بلد او اعطا می‌فرمود (طوسی، ۱۴۰۰هـ، ص ۶۷۱).

المحققین در *الایضاح*، شهید اول و ثانی در *الدروس*، غایه المراد، المسالك، الروضه، صاحب المجمع، صاحب الکفایه و المفاتیح می‌باشد (المروریه، بی‌تا، ج ۶۹، ص ۲۸۹).

ج - از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در عصر امیرالمؤمنین علیه السلام مردی فوت شد و وارثی از خود نگذاشت؛ حضرت علی علیه السلام میراث او را به همشیره‌های او واگذار نمود (ممو، ص ۵۵۴).

در روایت محمد بن حمزه علوی احتمال می‌رود که مازاد فرض به حکم واقعی اولی از آن فقرای محل زندگی زوج باشد که به صورت صدقه به آنها داده می‌شود. احتمال دومی نیز مطرح می‌باشد و آنکه شاید این مال از آن امام معصوم علیه السلام است که او فرمان داده از مال خود به فقرای بلد زوج متوفی پرداخت شود. بنابراین با روایت مزبور نمی‌توان بر حکم واقعی اولی یعنی توزیع ماترک مازاد فرض بین فقرای محل زندگی زوج استدلال نمود. روایت دوم نیز

ناظر به بیان توزیع میراث کسی است که اصولاً وارثی ندارد. در روایت سوم آمده است: «**فدفع امیرالمؤمنین علیه السلام میراثه الی همشیره یجه**». محتمل است همشیره به معنای برادر و خواهر رضاعی باشد؛ لذا جواز اعطای آن به برادر یا خواهر رضاعی از باب عنایت و تفضل امام علی علیه السلام یا اجازه آن حضرت قابل توجیه می‌باشد. مرحوم شیخ صدوق میراث بدون وارث را در حضور امام برای او دانسته و در عصر غیبت برای فقرای اهل محل زندگی متوفی به شمار آورده است؛ ولی این نحوه از جمع روایات پذیرفته نیست، زیرا اخباری که بر توزیع مازاد فرض برای فقرای اهل محل زوج دلالت دارند بر وجود و حضور امام تصریح کرده‌اند. در روایت محمد بن حمزه علوی امام صریحاً پرداخت مازاد را صادر فرموده‌اند و در دو روایت دیگر نیز امیرالمؤمنین علیه السلام شخصاً بدان مبادرت نموده‌اند. بنابراین روایات ظهور در زمان حضور دارند. از جمع بین این دسته از روایات و روایاتی که مازاد بر فرض را از آن امام دانسته‌اند، نتیجه می‌گیریم که در زمان حضور مازاد بر فرض از آن امام است که سیره معصومان علیهم السلام مصرف آن برای فقرای محل زندگی زوج متوفی بوده است.

۱- این لفظ غیر عربی است و بر گرفته از فارسی می‌باشد.

۳- نظریه رد مازاد فرض به زوجه

کسانی که از نظریه رد مازاد فرض به زوجه جانبداری نموده‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای به طور مطلق رد مازاد فرض به زوجه را پذیرفته‌اند. از ظاهر عبارت شیخ مفید در *المقنعه* چنین نظریه‌ای استظهار می‌شود؛ زیرا شیخ مفید نوشته است «*اذا لم يوجد مع الزوج قريب ولا نسيب للميت رد باقي التركة على الزوج*» (المفید، ۱۴۱۴هـ ج ۱، ص ۶۱۷). کلمه زوج که جمع آن ازواج می‌باشد، در زبان عرب برای زن و مرد هر دو استعمال شده است لذا مراد شیخ در این عبارت، رد مازاد فرض به زوج و زوجه هر دو می‌باشد. عده‌ای دیگر معتقدند که زوجه تنها در زمان غیبت امام مازاد فرض را به صورت رد به ارث می‌برد که شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* (صدوق، ۱۴۰۴هـ ج ۴، ص ۲۶۲) و علامه حلی در *التحریر و الارشاد* و شهید در *اللمعه* (الجبعی‌العالمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۴) و محقق ثانی در *حاشیه النافع* از این نظریه جانبداری نموده‌اند و شیخ طوسی در *الاستبصار* آن را محتمل دانسته است (طوسی، ۱۴۰۶هـ ج ۴، ص ۱۵۱).

رد مازاد فرض به زوجه از نظریاتی است که در روایات بدان تصریح شده است. روایات مشتمل بر رد مازاد فرض به زوجه به شرح ذیل می‌باشد:

الف - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره زنی که فوت شده و همسری از خود بجای گذاشته، نقل می‌کند، که آن حضرت فرمود: همه مال برای شوهر می‌باشد. ابوبصیر همچنین می‌گوید: عرض کردم مردی فوت می‌کند زنش تنها وارث اوست، امام فرمود همه اموال برای زن می‌باشد (الحر العالمی، ۱۴۰۳هـ ج ۱۷، ص ۵۱۵، ح ۶).

ب - ابوبصیر نقل می‌کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم مردی فوت می‌شود و تنها همسری بجای می‌گذارد. فرمود: همه مال برای زوجه می‌باشد (همو، ص ۵۱۶).

ج - فضیل بن یسار بصری می‌گوید: از امام رضا علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که فوت می‌شود و همسری بجای می‌گذارد و خویشاوندی غیر از او ندارد؛ امام فرمود: همه ترکه برای زن است (همو، ص ۵۱۷).

د - در دعائم اسلام آمده است امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مردی که فوت شده و وارثی غیر از زوجه نداشته، حکم فرمودند که تمامی اموال زوج از آن زوجه است. از چهار روایت مذکور دو روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام به صراحت و روشنی بر رد مازاد فرض به زوجه دلالت دارند.

روایت سوم منقول از امام رضا علیه السلام نیز بر رد مازاد به زوجه در فرض وجود رابطه خویشاوندی دلالت می‌نماید. برخی از فقیهان در جمع بین روایات معتقدند روایاتی را که بصورت مطلق بر رد به زوجه دلالت دارند، باید بر موردی حمل نمود که علاوه بر زوجیت رابطه خویشاوندی نیز بین زوج و زوجه وجود داشته باشد (طوسی، ۱۴۰۶ هـ ج ۴، ص ۱۵۱). در روایت چهارم دو احتمال متصور است؛ نخست آن که بین زوج و زوجه علاوه بر علقه زوجیت رابطه خویشاوندی نیز برقرار بوده است. دوم اینکه امام علی علیه السلام بر اساس مالکیتی که بر مازاد بر فرض داشته، آن را به زوجه اختصاص داده‌اند. با وجود دو احتمال از روایت چهارم نمی‌توان حکم اولی واقعی رد مازاد فرض به زوجه را استظهار نمود.

ممکن است اشکال شود که در متون حدیثی، روایاتی وجود دارد که بر عدم اعطای مازاد به زوجه صراحت دارند. چنان که جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: نه به زوج رد می‌شود و نه به زوجه^۱ (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۷، ص ۵۱۶، ح ۱۰). همچنین حدیث «عبدی» از حضرت علی علیه السلام که حضرت در آن فرمود: سهم زن از یک چهارم بیشتر و از یک هشتم کمتر نمی‌شود^۲ (همو، ح ۱۱)، با اعطای مازاد بر فرض به زوجه تنافی دارند. در پاسخ می‌توان گفت اولاً- برخی فقیهان روایت جمیل بن دراج را با عنایت به سلسله اسناد

۱- لایکون الرد علی زوج ولا زوجة.

۲- لاتزاد المرأة علی الربع ولا تنقص من الثمن.

آن (حسن بن علی بن بنت الیاس و او از علی بن حسن) معتبر نمی‌دانند، زیرا طریقه منتهی به علی بن حسن از اعتبار لازم برخوردار نیست و بنابراین روایت مذکور مقطوعه تلقی و غیرمعتبر می‌باشد (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱۱، ص ۴۲۹).
ثانیاً - روایت دوم ناظر به موردی است که زوج متوفی علاوه بر زوجه دارای وارث دیگر نیز باشد و روایت دیگر نیز در مقام بیان ارث زن در فرض عدم فرزند و وجود فرزند برای زوجه می‌باشد، نه در مقام بیان عدم ارث او از مازاد فرض.

۴- مقتضای جمع روایات

با نگاهی اجمالی به مدلول روایات در می‌یابیم که روایات با یکدیگر تنافی دارند؛ ولی با امعان نظر در روایات مذکور می‌توان این تنافی و تعارض ظاهری را رفع نمود؛ چنان که شیخ طوسی در کتاب *الاستبصار* معتقد است که به دو صورت این تعارض را می‌توان منتفی نمود؛ نخست این که روایاتی را که زوجه را محروم از مازاد فرض دانسته‌اند، مختص به عصر حضور امام بدانیم و بگوییم در زمان غیبت امام، دیگر ضرورتی بر محروم نمودن زوجه وجود ندارد، لذا در عصر غیبت می‌توان بقیه ماترک را به او اعطا نمود. چنان که مرحوم صدوق این وجه را برای جمع روایات برگزیده است. دیگر این که روایاتی را که عنوان می‌کند بقیه ماترک باید به زوجه رد شود بر قرابت حمل نماییم؛ یعنی زوجه ربع را بنابر حقی که دارد، و بقیه را به قرابت دریافت می‌نماید (طوسی، ۱۴۰۶ هـ ج ۴، ص ۱۵۱). منطق فهم حدیث ایجاب می‌نماید که اگر بتوان بین روایات جمعی برقرار نمود، باید بدان مبادرت ورزید. بنابراین، اخباری که بر رد مازاد بر امام و بر فقرا دلالت دارند، ناظر به عصر حضور امام هستند که امام با توجه به ولایت خویش بر مازاد بر فرض، آن را به فقرای محل زندگی زوج متوفی اختصاص می‌دهد، ولی روایاتی که مشتمل بر رد مازاد فرض به زوجه هستند، ناظر به عصر غیبت تلقی می‌شوند.

۵- اشکالات نظریه رد مازاد فرض به زوجه

با امعان نظر در متون فقهی، مهم‌ترین اشکالات مخالفان رد مازاد فرض بر زوجه را می‌توان در موارد زیر جمع‌بندی نمود:

الف - عدم اعتبار روایات آحاد مورد استناد موافقان به رد مازاد فرض بر زوجه.

ب - عدم جواز تصرف در اموال امام.

ج - بطلان قیاس بر زوج.

د - اصل عدم رد مازاد فرض بر زوجه.

ذیلاً به بررسی هر یک از موارد فوق می‌پردازیم:

الف - عدم اعتبار روایات آحاد مورد موافقان با رد مازاد فرض به زوجه

قاضی ابن براج در زمینه رد مازاد بر فرض به زوجه معتقد است آنچه در نزد من اولویت دارد، این است که به زن فقط به اندازه ربع پرداخت می‌گردد و چیز دیگری به او رد نمی‌شود، زیرا اگر به روایت رد به زوجه عمل شود در واقع به خبر واحدی عمل نموده‌ایم که هیچ قرینه‌ای معاضد آن نیست (ابن براج، ۱۴۰۶ هـ، ص ۱۴۱). شیخ انصاری در این زمینه می‌نویسد «مازاد فرض برای امام می‌باشد و ثبوت رد زاید بر فرضی که خداوند برای زوجه قرار داده است، نیاز به دلیل دارد که آن نیز در بین نیست و این نظریه که زاید بر فرض از آن امام نباشد و به زوجه تعلق بگیرد، نظریه‌ای است که فقط از شیخ مفید نقل شده و مستند آن روایتی است که به دلیل شاذ بودن، رد می‌شود؛ علاوه بر این، نقل شده است که شیخ مفید از قول خود برگشته است. نظریه سومی نیز وجود دارد مبنی بر این که در زمان غیبت مازاد فرض به زوجه برگشت می‌کند؛ این نظریه متعلق به صدوق و جماعتی از متأخران است که برای آنان مستندی غیر از جمع میان اخبار وجود ندارد (انصاری، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۸۴). در پاسخ می‌توان گفت نظریه قاضی ابن براج تمام

نمی‌باشد؛ زیرا چه بسا مستند این نظریه، روایت صحیحه ابی بصیر از امام باقر علیه السلام باشد که از نظر سند قابل اعتماد می‌باشد. علاوه بر آن، جمع روایات ایجاب می‌نماید که مازاد فرض به زوجه داده شود. در نظریه شیخ انصاری و دیگر فقیهانی که معتقدند مازاد فرض مطلقاً از آن امام است، روایات مشتمل بر رد مازاد بر فرض به زوجه به ادعای شاذ بودن نادیده گرفته شده است و به جمع روایات توجه کافی نشده است.

ب - عدم جواز تصرف در اموال امام

ابن ادریس حلی در نقد نظریه شیخ طوسی در *الاستبصار* می‌نویسد: «برخی از اصحاب در مقام جمع میان روایات، حکم رد بر زوجه را منحصر به عصر غیبت دانسته‌اند ولیکن این سخن بسیار بعید می‌باشد؛ زیرا این وجه جمع که شیخ طوسی ذکر نموده است، نیاز به دلالت محکم داشته، برهان قوی می‌طلبد؛ زیرا اموال بنی آدم و آنچه که مال آنها می‌باشد، با غیبت آنها حلال نمی‌شود؛ زیرا تصرف در مال غیر بدون اذن او عقلاً و نقلاً قبیح است» *(الحلی، بی تا، ج ۳، ص ۲۴۳)*.
به نظر می‌رسد که استدلال ابن ادریس قابل مناقشه است؛ زیرا اولاً- روایات مشتمل بر رد تمامی ماترک به زوجه را به عنوان اذن امام برای تصرف در مازاد بر فرض در عصر غیبت می‌توان توجیه نمود؛ ثانیاً- روایات متضمن رد مازاد فرض به زوجه را نمی‌توان مطلقاً نادیده گرفت؛ ثالثاً- ما می‌پذیریم که در فرض حضور امام معصوم علیه السلام مازاد بر فرض از آن حضرت خواهد بود، ولی در فرض غیبت یا باید مازاد فرض برای امام نگه داشته شود تا امام ظهور نماید که نگهداری این اموال با توجه به نیاز فقرا و سیره آن معصومان در واگذاری مازاد فرض به زوجه و مانند آن موجه به نظر نمی‌رسد. فرض دیگر این است که مازاد میان فقرای محل زندگی زوج توزیع گردد که در عصر غیبت دلیل قاطعی برای این امر در دست نیست؛ زیرا روایات مربوط به توزیع بین فقرای محل زندگی میت منصرف به زمان حضور می‌باشد. در حقیقت امام خود رأساً با

تصرف در مال خود آن را به فقرای محل زندگی میت اختصاص داده است این روش امام از شمول و قاعده کلی برخوردار نمی‌باشد. فرض سوم آن است که آن را به زوجه اختصاص دهیم که در این فرض به روایات باب نیز عمل نموده‌ایم.

ج - بطلان قیاس زوجه به زوج

فقیهان امامیه بر رد مازاد فرض ترکه زوجه به زوج اجماع نموده‌اند (نجفی، ۱۳۲۷، ج ۳۹، ص ۷۹)؛ ولی چنانچه زوج فوت نماید و زوجه تنها وارث او باشد، نمی‌توان با استناد به حکم ارث زوج از مازاد فرض، برای زوجه نیز رد مازاد فرض را به رسمیت شناخت؛ زیرا این حکم از طریق قیاس حاصل شده و قیاس نیز باطل است^۱. در پاسخ به استدلال مذکور می‌توان گفت، فقیهانی که به رد مازاد فرض به زوجه فتوی داده‌اند، به قیاس استناد ننموده‌اند؛ بلکه از طریق جمع روایات به این نظریه دست یافته‌اند.

د - اصل عدم رد به زوجه

اصل اولیه در ارث این است که هر یک از صاحبان فرض، به تعداد سهام خویش از ماترک میت ارث می‌برند و رد مازاد از فرض خلاف اصل است. به تعبیر دیگر اصل اولیه عدم رد است، مگر اینکه دلیل قاطعی در اختیار باشد تا بر اساس آن، وارثی به رد ارث ببرد. در فرضی که زوجه تنها وارث زوج متوفی باشد، زوجه از ربع ماترک زوج به فرض ارث می‌برد و دلیلی که اقتضای رد مازاد را بر او داشته باشد، در اختیار نیست. در قرآن کریم برای تمامی صاحبان فرض از جمله زوجه سهم ارث تعیین شده است. برای این که بتوانیم به زوجه بیش از این میزان از ترکه پرداخت نماییم، نیازمند دلیل می‌باشیم و اگر هم مشاهده می‌شود که به زوج مازاد سهم‌الارث پرداخت می‌گردد، بر اساس اخبار زیادی است که از طریق ائمه علیهم‌السلام وارد شده که برای زوج منفرد تمام

۱- ابن زهره در غنیه‌النزوع و سید مرتضی در انتصار این نظریه را دارند (المرواریه، ج ۱، ص ۷۹ و ۲۶۵).

ماترک اعم از فرض و رد را در نظر گرفته‌اند (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۹، ص ۷۹). استدلال به اصل عدم رد به زوجه در صورتی قابل استناد است که با دلیل معارضه نکند؛ رد بر زوجه مخالف اصل است، ولی به واسطه روایاتی ثابت شده است که همان گونه که روایات رد بر زوج نیز علی‌رغم مخالفت رد مازاد فرض به زوج با اصل، آن را اثبات نموده‌اند، روایات مربوط به رد زوجه نیز چنین نقشی را ایفا می‌نمایند.

هـ- مازاد بر فرض از آن بیت‌المال است نه زوجه

برخی از فقیهان همچون سلار، راوندی و محقق اردبیلی رد مازاد فرض بر زوجه را نپذیرفته، مازاد را از آن بیت‌المال دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷ هـ ج ۱۱، ص ۴۳۳؛ المروراید، بی‌تا، ج ۹۷-۹۸، ص ۱۰۸ و ۲۲۷). استدلال مذکور نیز تمام نمی‌باشد؛ زیرا اولاً- روایات معارض با نظریه مذکور وجود دارد؛ ثانیاً- روایات مربوط به پرداخت مازاد فرض به فقرای محل زندگی زوج منصرف به اذن امام علیه السلام در عصر حضور معصوم می‌باشد نمی‌توان از آن حکم اولی واقعی اختصاص مازاد بر فرض را برای بیت‌المال استظهار نمود. ثالثاً- چه بسا مراد از رد به بیت‌المال همانا رد مازاد فرض به امام باشد که منصرف به زمان حضور می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

- ۱- در زمینه میراث زوجه از زوج در فرض عدم وارث دیگر برای زوج، به نص قرآن کریم، زوجه ربع ترکه زوج را به عنوان فرض، به ارث می‌برد.
- ۲- در زمینه مازاد بر فرض، روایات متفاوت و در نتیجه آرا و نظریات مختلفی در فقه امامیه وجود دارد که عبارتند از:
 - الف- اختصاص مازاد بر فرض برای امام معصوم علیه‌السلام.
 - ب- اختصاص مازاد بر فرض برای فقرای محل زندگی زوج.

ج - اختصاص مازاد فرض از آن امام در عصر حضور و از آن زوجه در عصر غیبت.

۳- جمع عرفی روایات در زمینه میراث زوجه از زوج ایجاب می‌نماید که مازاد فرض

در عصر حضور از آن امام معصوم علیه‌السلام باشد و در عصر غیبت به زوجه اختصاص یابد.

۴- رد مازاد فرض به زوجه در فرض حضور امام معصوم علیه‌السلام با صلاحدید ایشان و در فرض غیبت با اذنی که امام معصوم علیه‌السلام در روایات صادر فرموده‌اند، صورت می‌پذیرد.

۵- پذیرش نظریه رد مازاد بر فرض به زوجه به توسعه حقوق مالی زن در خانواده می‌انجامد.

منابع و مأخذ

- ✓ **القرآن الكريم**
- ✓ ابن البراج، عبدالعزيز، **المهذب**، قم، نشر جامعه المدرسين، ۱۴۰۶هـ.
- ✓ انصاری، مرتضی، **الوصايا و المواريث**، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانيه لميلاد الشيخ الانصاري، ۱۴۱۵هـ.
- ✓ الجبعي العاملي، زين الدين، **الروضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه**، اصفهان، مكتبه الامام امير المؤمنين، بی تا
- ✓ الحر العاملي، محمد بن حسن، **وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه**، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳هـ.
- ✓ حلي، ابن ادریس، **السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى**، قم مؤسسه النشر الاسلامي، بی تا
- ✓ المفيد، محمد بن محمد بن نعمان، **سلسله مؤلفات الشيخ المفيد (المقنعه)**، بيروت، دارالمفيد، چاپ دوم، ۱۴۱۴هـ.
- ✓ صدوق، محمد بن علی بن الحسين، **من لا يحضره الفقيه**، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۴هـ.
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، **الاستبصار في ما اختلف منه الأخبار**، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۰هـ.
- ✓ همو، **النهايه**، بيروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶هـ.
- ✓ المروراید، علی اصغر، **الموسوعات الفقيهيه**، بيروت، دارالتراث، بی تا
- ✓ مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائده و البرهان**، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۷هـ.
- ✓ نجفی، محمد حسن، **جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام**، قم، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۷